

# خشکشویی چیست؟

اولین بار در سال ۱۸۲۵ میلادی، شخصی به نام ژان بابتیست ژولی که اهل فرانسه بود، خشکشویی را اختراع کرد. در آن زمان الکتریسیته هنوز اختراع نشده بود. مردم برای روشنایی از چراغ‌هایی که سوخت آنها پارافین مایع بود، استفاده می‌کردند. روزی خدمتکار آقای ژولی مشاهده کرد که نه تنها پارافین به پارچه رومیزی آسیبی زده است، بلکه آن قسمتی که پارافین ریخته شده بسیار تمیز تر از سایر قسمت‌های رومیزی است.

آقای ژولی که ابتدا تعجب کرده بود، متوجه شد که پارافین رومیزی را تمیز کرده است. سپس تصمیم گرفت که از این خاصیت پارافین برای تمیز کردن لباس‌ها استفاده کند. خانواده آقای ژولی، صاحب کارخانه پارچه بافی بودند. از آن به بعد، آقای ژولی تصمیم گرفت که قسمتی از کارخانه خود را به تمیز کردن لباس‌ها بدون استفاده از آب اختصاص دهد.

به زودی خشکشویی مورد استقبال مردم قرار گرفت. در آن زمان، تمامی لباس‌ها از مواد طبیعی مانند پشم، نخ، ابریشم و پوست تهیه می‌شد. هنگامی که لباس‌ها با آب شسته می‌شد، در هر بار شستشو ممکن بود که لباس‌ها خراب یا اینکه تنگ یا کوتاه شوند. اما با خشکشویی کردن لباس‌ها و استفاده از پارافین برای از بین بردن لکه‌ها، لباس‌ها هیچ صدمه‌ای نمی‌دیدند.

در آن زمان، تمامی مردم شهر پاریس به کارخانه آقای ژولی روی آوردند، تمامی لکه‌ها با استفاده از پارافین از بین می‌رفت، گویی معجزه شده است. لباس‌ها پس از شستشو کاملاً تمیز می‌شد و کاملاً نو به نظر می‌رسید.

\*

مدت زیادی طول کشید تا کارخانه‌های خشکشویی لباس به خارج از فرانسه نیز راه



پیدا کرد. پارافین یک ماده مطلوب و عالی به نظر می‌رسید اما نباید فراموش کرد که از آن به عنوان سوخت نیز استفاده می‌شد.

از طرفی پارافین ماده‌ای بود که به راحتی آتش می‌گرفت و همیشه خطر آتش‌سوزی یا حتی انفجار هنگام استفاده از آن وجود داشت.

بنابراین ماده جدیدی می‌بایست ساخته می‌شد که همان خاصیت پاک‌کنندگی پارافین را داشته باشد، اما در عین حال غیر قابل اشتعال باشد.

پارافین یکی از مشتقات کربن است. پژوهشگران موفق شدند که از کربن ماده جدیدی تهیه کنند. این ماده به صورت مایع و بسیار کم‌خطر است. امروزه در خشکشویی‌ها از ماده‌ای به نام «پرکلرو اتیلن» استفاده می‌شود. پرکلرو اتیلن از کربن گرفته نشده است بلکه یکی از مشتقات نفت است.

لسلی نیوسن ترجمه: رویا خوبی



## نشانه گذاری

دو مرد با قایق اجاره‌ای به دریاچه‌ای رفتند تا ماهی‌گیری کنند. مدتی گذشت اما از ماهی خبری نبود تا این که جریان آب آنها را به نقطه‌ای برد که پر از ماهی بود و پشت سر هم تورشان پر می‌شد. یکی از آنها گفت: «هی مرد، این‌جا همون جاییه که باید از این به بعد بیاییم.» دوستش گفت: «نمی‌شه که. باید مطمئن بشیم فردا هم همین‌جا می‌آییم.» - راست می‌گی. پس یه جوری علامت بذار.

روز که تمام شد، آنها قایق را به صاحبش پس دادند و راهی خانه‌هایشان شدند. مرد اولی به دوستش گفت: «همون‌طور که بهت گفتم، اونجا رو علامت گذاشتی؟» - آره، با چاقوم، بغل قایق رو خط کشیدم. - چه قدر خنگی بابا! از این بدتر نمی‌شه. فردا که باید یه قایق دیگه اجاره کنیم.



# ترجمه کتابچه

دوست عزیز نوجوان:

متن انگلیسی که در زیر می‌خوانی، ترجمه‌ی انگلیسی یکی از آیات نورانی قرآن مجید است. آیا می‌توانی ترجمه‌ی فارسی آن را انجام بدهی؟ آیا می‌توانی بعد از ترجمه، بفهمی که این آیه در کدام سوره‌ی کلام الله مجید آمده است؟ اگر توانستی این کار را انجام بدهی، حتماً ترجمه‌ی فارسی آن را به همراه نام سوره‌ی مورد نظر برایمان ارسال کن!

سوال **انسپ** ۳۹

'Those who disbelieve in the everlasting life call the angels by female names.  
Yet of this they have no knowledge, they follow mere conjecture, and conjecture does not help against truth.'

جواب **انسپ** ۳۸

'messengers,' said he (abraham), 'what is your errand?'  
they replied: 'we are sent to a sinful nation,  
so that we bring down stones of clay upon them'

[ابراهیم] گفت ای فرستادگان ماموریت شما چیست؟  
گفتند ما به سوی مردمی پلیدکار فرستاده شده‌ایم.  
تا سنگهایی از گل رس بر [سر] آنان فرو فرستیم.

سوره الذاریات آیه ۳۱-۳۲-۳۳

# آنچه در مورد پوست باید بدانیم

پوست بدن ما نیاز به مراقبت‌های مخصوص و در عین حال نسبتاً پیچیده دارد، زیرا از یک طرف پوست مایک بافت زنده است و از طرف دیگر رشد می‌کند. (ناخن‌ها و موهای ما هم رشد می‌کنند، اما فقط ریشه آنها زنده است.) تمامی سلول‌های پوست بدن ما دوباره ساخته می‌شود. به استثنای آن سلولهایی که لایه نازک سطحی پوست را تشکیل می‌دهند.

حتماً برای شما پیش آمده است که با خود کار روی پوست دست خود خط کشیده باشید یا چیزی بر روی آن بنویسید. این کار همیشه باعث ناراحتی معلم‌ها و پدر و مادرها می‌شود. گاهی اوقات نیز پیش آمده است که با دست و انگشتان جوهری از مدرسه به خانه برگشته اید. باید بدانیم که جوهر خود کاریا خود نویس روی پوست دست باقی می‌ماند و لکه جوهر بسیار مشکل پاک می‌شود. حتی گاهی اوقات بنظر پاک نشدنی می‌رسد و با ساییدن زیاد دست هم، از بین نمی‌رود!

با این که لکه‌ها بعد از چند روزی خود به خود محو می‌شوند اما این به این معنی نیست که جوهر پاک شده است بلکه لایه سطحی پوست ما جدا می‌شود و اثر جوهر از بین می‌رود.

پوست بدن ما نه تنها با بدن ما رشد می‌کند، بلکه به طور همزمان در داخل بدن

را زخم می کند و باعث خون ریزی و عفونت می شود. به همین خاطر خال کوبی کردن پوست، عملی است که اصلا توصیه نمی شود. پوست بدن ما وقتی کثیف است، به راحتی تمیز و پاک می شود. کافی است که آن را با آب و صابون بشوییم. از مواد پاک کننده قوی نباید برای شستن پوست بدن استفاده کنیم، زیرا این مواد به اپیدرم (لایه سطحی پوست) آسیب می رساند.

اپیدرم از یک لایه نازک چربی تشکیل شده است. چربی از پوست ما محافظت کرده و آن را غیر قابل نفوذ می کند. همچنین چربی باعث نرمی و قابل انعطاف شدن پوست می شود. چربی پوست به طور مداوم ترشح می شود و از طریق منافذ پوستی به بیرون تراوش می کند. عرق نیز در داخل پوست تولید می شود. عرق به لایه سطحی پوست می آید و هنگامی که ما احساس گرمای زیاد کرده و عرق می کنیم دمای بدن تنظیم می شود.

با هر بار شستشوی بدن، نه تنها چرک ها و آلودگی ها دور می شوند بلکه قسمتی از چربی، عرق و سلول های کهنه و همچنین باکترهای روی پوست نیز از بین می روند. اگر بدن خود را مرتب نشوییم، این مواد با هم مخلوط می شوند. باکتری ها این مواد را جذب می کنند و باعث ایجاد بوی ناخوشایندی در بدن می شوند.

با حمام کردن و شستشوی مرتب، از بوی بد و ناخوشایند بدن جلوگیری می شود. اما باید مراقب بود که لایه چربی پوست در اثر شستشوی زیاد از بین نرود. صابون دارای ماده ای است که برای هر نوع پوستی تقریباً مناسب است. صابون، اپیدرم (لایه سطحی پوست) را به خوبی تمیز و پاک می کند و آن را هرگز خشک نمی کند.

نیز سلول های پوستی جدید تشکیل می شود. در سطح زیرین پوست ما، یک لایه از سلول های ذخیره، همیشه در حال رشد و تکثیرند. هنگامی که این سلول ها رشد می کنند، جانشین سلول های کهنه ای که در لایه سطحی قرار دارند، می گردند و سلول های کهنه جدا می شوند. این کار تقریباً شبیه به کنده شدن فلس ماهی است. حتما شما در تلویزیون پوست انداختن یک ماریا مارمولک را دیده اید. در این حیوانات پوسته جدید جانشین پوسته کهنه می شود. خوشبختانه در انسان ها، این کار به طور پیوسته و نامرئی انجام می شود. انسانها نیازی ندارند که مانند بعضی از حیوانات ناگهان از پوسته کهنه خود خارج شوند!

پوست بدن ما در تمام طول دوران زندگی، تجدید می شود و همیشه سلول های جدیدی به وجود می آیند. حتی در دوران پیری که پوست ما چین می خورد، چروک های پوستی ما همیشه از سلول های جدید پوشیده شده اند. اگر ماشین ها هم می توانستند این کار را انجام دهند و خودشان رنگ بدنه خود را تجدید کنند چقدر خوب بود!

پوست بدن ما حتی خراشیده شود یا آسیب ببیند، باز هم ترمیم می شود و هیچ گاه مانند بدنه ماشین زنگ نمی زند.

بعضی از افراد بر روی پوست بدن خود خال کوبی می کنند، راستی می دانید چرا خال کوبی روی بدن ما باقی می ماند و هیچ گاه پاک نمی شود؟ برای خال کوبی روی بدن، سوزن مخصوصی استفاده می شود که به وسیله آن جوهر زیر پوست قرار می گیرد که در آن جا سلول ها دوباره به وجود نمی آیند. خال کوبی کردن پوست بسیار دردناک است و سوزن آن گاهی پوست

سلامتی! گنجینه شخصی

# رکورد در آرزوها

آرزوی سلامتی برای عزیزان، حکایتی است همیشگی در خانواده که هیچ چیز تغییری در آن نمی‌دهد. این یکی از گنجینه‌هایی است که قیمتی برای آن مشخص نشده است. زیرا برای جواهراتش نمی‌توان جانشینی پیدا کرد. گنجینه‌ای که خیلی وقت‌ها به یادش نمی‌آوریم، مگر آن که مشکلی به نام بیماری یادمان بیندازد که سلامتی چه گوهر گرانبهایی است.

بیهوده نیست که همه مردم با نشستن سر سفره سال نو و هر سفره‌ای، چنین آرزویی را برای خودشان و دیگران بر زبان می‌آورند. بی دلیل نیست که در

آرزویی هست که در تمام جهان جاری می‌شود، بر زبان مادران هنگامی که هر روز صبح جگر گوشه‌ها را راهی دنیای بیرون از خانه می‌کنند. این آرزو به زبان‌های مختلف بیان می‌شود، اما یک معنای مشترک دارد.



بیشتر اوقات بزرگ‌ترها همیشه برای کوچک‌ترها سلامتی آرزو می‌کنند. خیلی وقت‌ها پس از آن که برای کسی کاری انجام می‌دهیم. یا به کسی کمک می‌کنیم، می‌شنویم که دعایی بدرقه راهمان می‌شود: تنت سالم، چهار ستون بدنت محکم، بلا و بیماری دور، گرفتار بیماری نشوی و اصطلاحات دیگری که در همه آنها آرزوی سلامتی بهترین و مهم‌ترین آرزوهاست.

خیلی‌ها تا دچار مشکل نشوند، ارزش سلامتی را نمی‌شناسند و یادشان نمی‌افتد که سلامتی چیزی نیست که به راحتی ماندگار باشد. یک سرماخوردگی معمولی که چند روز کار و درس و دیگر ماجراهای زندگی روزمره را تعطیل می‌کند، یا با دشواری همراه، نشانه کوچکی است از دشواری‌های بزرگ‌تری که می‌تواند برای روزها، ماه‌ها و سال‌های بعدی در راه باشد. بعضی‌ها سال‌ها از دیگران می‌شنوند که شب‌ها زود بخوابید، مراقب دندان‌هایتان باشید، اشیای سنگین را بلند نکنید، مراقب چیزهایی که می‌خورید باشید و کلی نصیحت دیگر که به سلامتی مربوط می‌شود. گاهی بسیاری از افراد این توصیه‌ها را جدی نمی‌گیرند؛ تا اینکه بعد از سال‌ها آثار بی‌توجهی به حفظ سلامتی را لمس می‌کنند، زمانی که متأسفانه گاهی فایده‌ای ندارد؛ چون دندانی که ریخته دوباره در نمی‌آید؛ قلبی که دور آن را چربی گرفته باشد، مانند گذشته کارش را انجام نمی‌دهد و کلیه و کبد بیمار به همین آسانی وظایف خود را در مسیر سلامتی انجام نمی‌دهند.

سلامتی مثل پس‌اندازی است که برای بعدها حفظ می‌شود. سلامتی مثل درختی است که باید سال‌ها مراقبش باشی تا پا بر جا و استوار بماند؛ یا مثل خانه‌ای که باید همواره مراقب بخش‌های مختلفش باشی تا یک باره فرو نریزد. این گنجینه‌ای است شخصی، که هر کس به تنهایی باید مراقب آن باشد. دیگران تنها می‌توانند راه‌های حفظ سلامتی را مطرح کنند، اما در نهایت هر کس به تنهایی مسئول سلامتی خود است.



# کتاب درمانی

جواد محدثی

وقتی بسیاری از بیماری‌ها را با «آب» درمان می‌کنند، چرا با «کتاب» نتوان چنین کرد؟ آنکه «درد» را آفریده، «درمان» را هم آفریده است. وقتی دردها، همیشه در پا و کمر و سینه نیست، وقتی بیماری‌ها، همیشه زخم معده و فشار خون و دیابت و تب و سرفه نیست، درمان‌ها هم همیشه قرص و کپسول و سرم و شربت نیست... فکر نمی‌کنید «یأس» و «شک» هم نوعی مرض باشد؟

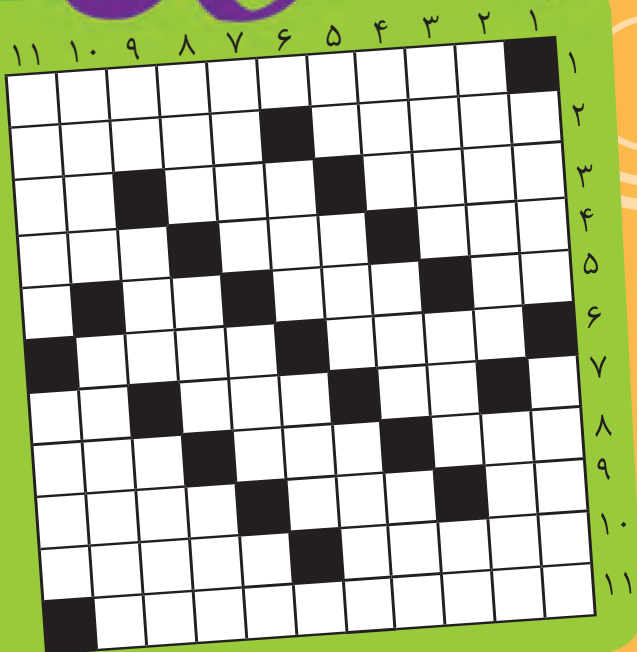
باور نمی‌کنید «جهل» و «بی‌خبری» و «کم‌اطلاعی» یک عارضه است؟ قبول ندارید که غرور و حسد و خودخواهی و پرمدعایی، کسالت روح است؟ از کتاب چه کاری ساخته است؟

اگر «پیاده روی»، نشاط جسمی می‌آورد، «مطالعه» هم غذای روح است. اگر تماشای فیلم، برای پر کردن اوقات فراغت است، چرا «کتابخوانی» نتواند چنین کند؟

اعتقادی»، کتاب است. بعضی، اگر دنبال شخصیت هستند، باز هم سراغ کتاب می‌روند، اگر به فکر شهرت و نفوذند، از کتاب کمک می‌گیرند. اگر دچار کم خونی در «رگهای ایمان» اند، مطالعه به خود تزریق می‌کنند. قدیم‌ها در بعضی از کتابخانه‌ها، در تابلو می‌نوشتند: «بهبتر ز کتاب، آشنایی نبود خوشتر ز کتابخانه، جایی نبود در دهر، دوا برای امراض وجود بهتر ز «مطالعه» دواپی نبود» این همان «کتاب درمانی» است. تا بیماری تو چه باشد و علاجش کدام کتاب و چه نوع مطالعه‌ای. البته امید است هیچ کسالتی در میان نباشد، نه در جسم و نه در جان، ولی... به هر حال «کتاب و مطالعه» چیز خوبی است.

اگر مسابقات فوتبال، نوعی رقابت سالم و تحرک آفرین باشد، چرا این رقابت و مسابقه، در میدان مطالعه «کتاب» نباشد؟! آیا به تعدا بیمارستانها و درمانگاه‌هایی که می‌شناسید، «کتابخانه» می‌شناسید؟ آیا به اندازه مغازه‌های سوپر مارکت، اغذیه فروشی، آب میوه و معجون، بستنی و فالوده، میوه فروشی و بقالی، «کتابفروشی» سراغ دارید؟ آیا به قدری که خاصیت و مصرف داروها و شربت‌ها را می‌شناسید، نام «کتاب خوب» سراغ دارید؟ وقتی دل درد و دندان درد و پا درد می‌گیرید، یا وقتی احساس تنگی نفس یا فشار قلب می‌کنید، فوری از درمانگاه، نمره گرفته و پیش پزشک می‌روید. اما به خاطر ندانستن بعضی مسایل، به خاطر رنج بردن از آشفته‌گی روح، به خاطر ناتوانی در مقابل ویروس گناه، به خاطر ضعف اخلاقی و... آیا به کتابفروشی یا کتابخانه رفته اید؟ مشکل فکری و روحی خود را با یک «اندیشمند» و «عالم» در میان گذاشته اید؟ کدام کتاب برای درمان کدام درد مفید است؟ برای بهره‌وری از تاریخ پیشینیان، کدام کتاب «شرح حال» بیشتر خاصیت دارد؟ بیماری ضعف یقین و ناباوری نسبت به «جهان پس از مرگ» را، کدام کتاب، زودتر و ریشه‌ای‌تر درمان می‌کند؟ برای جراحی «غده گناه»، نزد کدام «طبيب روح» و «مربی اخلاق» باید رفت؟ بعضی‌ها، سلامت فکر خود را با «مطالعه» تامین می‌کنند. عامل نجات برخی از گرفتار شدن به بیماری «بی

# جدول



## عمودی

- ۱- موج زدن یا لرزیدن چیزی- فیلمی از حمید نعمت الله (کارگردان ایرانی)
- ۲- معادل فارسی‌ها و کرافت- شتربی کوهان
- ۳- جمع رمز- از گویش‌ها- صدای درد
- ۴- همراه «بیا» به کار می رود و نشان جلال و شکوه کسی است که این ترکیب در مورد او به کار می رود- شانه- گیره
- ۵- طرف- از مشتقات نفت- یکی از حالت‌های ماده
- ۶- نوعی صندلی راحتی- ابزار داوری مسابقه‌های ورزشی
- ۷- محصول صادراتی رفسنجان- جانوری درنده- یازده
- ۸- چاهی در جهنم- مخفف توشه- آموخته لقمان
- ۹- ضمیر اشاره به دور- نیتروژن- نوعی شیرینی
- ۱۰- نوعی داستان بلند- یخ بستن
- ۱۱- از مواد شیرینی پزی- واحد سنجش شدت جریان برق

## افقی

- ۱- یکی از کارگاه‌های داستانی معروف که آگاتا کریستی او را در کتاب‌هایش خلق کرد.
- ۲- برادران مخترع صنعت سینما- هنر هفتم
- ۳- جای سکونت- قصه‌های عامیانه- لحظه
- ۴- اختراع دایملر آلمانی- بنایی کمابیش به شکل نیمکره- فوری
- ۵- علامت مفعول بی واسطه- پیمانانه- پایان نامه تحصیلی
- ۶- نویسنده فرانسوی کتاب «کاندید»- ایالتی در آمریکا
- ۷- نوعی طاقچه- ته چک- توان
- ۸- سرپرست- از میوه‌های گرمسیری- مقدار فضایی که یک جسم اشغال می کند
- ۹- حرف فاصله- اصطلاحی در بازی شطرنج- بلندترین کوه یونان
- ۱۰- عقیق معروف- جمع دوره
- ۱۱- مجموعه ای فرهنگی و تاریخی در منطقه تجریش تهران

## جواب جدول نویسیم نوجوان شماره ۳۸



برنده جدول شماره ۳۸

علی مجتهدی